

نگاهی به نشانه‌شناسی هنر مفهومی

آزینا افراشی
Semiotics of
Conceptual Art

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در این مختصر، سعی شده تا هنر مفهومی از دیدگاهی نشانه‌شناختی مورد بررسی قرار گیرد. مسئله‌ی قابل طرح در این ارتباط آن است که آثار معرفی شده در قالب هنر مفهومی در چارچوب کدام یک از سه نوع نشانه‌ی مطرح شده از سوی پیرس قابل بررسی‌اند. به عبارت ساده‌تر، رابطه‌ی صورت و معنی در آثار هنر مفهومی، قراردادی، طبیعی یا تصویرگونه است؟

۱- هنر مفهومی

هنر مفهومی در اواسط دهه‌ی ۱۹۶۰ توسعه یافت. در این نوع هنر، مفهوم و محتوای اثر هنری بر شیء محصول



هنری برتری دارد. ۱.

این مسئله که آیا واقعاً آن چه به اصطلاح هنر مفهومی نامیده می‌شود به عنوان هنر قابل بررسی است، مورد تردید قرار دارد. هنر مفهومی بیش از آن که به اشکال و مواد مرتبط باشد، با مفاهیم و اندیشه‌های شکل دهنده به این اشکال سروکار دارد. نخستین گروه از هنرمندانی که در اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ به خلق آثار هنری قابل طبقه‌بندی در زمره‌ی هنرهای مفهومی پرداختند، بازی با لغات را نیز به آثار هنری خود ضمیمه کردند.

به سختی می‌توان هنر را تا سطح اندیشه‌ی محض تقلیل داد. بی‌تردید، هر آفرینش هنری اندیشه‌ای را می‌نمایاند؛ ولی اندیشه‌ی محض به گونه‌ای که در قالب گفتار و نوشتار متجلی می‌گردد با تجربه‌ی آن در قالب هنر تفاوت دارد. ۲. برخی منتقدان آثار هنری بر این باورند که هنر مفهومی صرفاً بهانه‌ای است برای توجیه کم‌کاری پدیدآورندگان‌شان. به بیان ساده‌تر، وقتی هنرمند به باقی ماندن در لایه‌ی اندیشه‌ی زیربنایی اکتفا می‌کند، هنر مفهومی شکل می‌گیرد. ۳.

سُل لوویت (Sol Lewitt) در دفاع از هنر مفهومی، مدعی شد که تمام اندیشه‌های هنری الزاماً نباید به شیء هنری بدل شوند. به اعتقاد وی، نقد هنر دیگری مورد است؛ زیرا هنرمند خود می‌تواند تحلیلی بر اثر هنری‌اش ارائه دهد و این گونه تحلیل‌ها، همانند یک مجسمه یا یک نقاشی، اثر هنری محسوب می‌شوند.

هنر مفهومی به شیوه‌ای گسترده، تحت تأثیر خلاقیت مارسل دوشان (Marcel Duchamp) در نام‌گذاری مجدد اشیا شکل گرفت. او در ۱۹۱۷، یک «توالت فرنگی» را در نمایشگاه آثار هنری قرار داد و آن را چشمه (Fountain) نامید. در این روند، هنرمند اندیشه‌ای را به یک شیء ملحق می‌سازد که پیش از آن به شیء مورد نظر پیوسته نبوده است. در این دیدگاه، از آن‌جا که اندیشه نسبت به شیء هنری برتری دارد، هر اندیشه‌ای می‌تواند به هر شیء ملحق شود. به این ترتیب، دوشان مدعی شد که توانسته اندیشه‌ای تازه برای شیء مذکور به وجود آورد. از آن‌پس، هنر نام‌گذاری مجدد اشیا به منظور نمایش اختیاری بودن نظام نام‌گذاری، در خدمت هنرمندان قرار گرفت. ۴.

رویکرد دوشان و دیگر دادائیس‌ها در آثار

هنرمندانی که خود را پیرو «هنر سیال» (Fluxus) می‌دانستند، متبلور شد. جان کیج (John Cage)، سردمدار هنر سیال، در پی از میان بردن مرزهای هنر و زندگی بود و به نقش اتفاق و تصادف در شکل‌دهی به اثر هنری پای‌بندی نشان می‌داد. ۵.

هنر کمینه (minimal art) نیز از دیگر اشکال هنری متعاقب هنر مفهومی محسوب می‌شود. در هنر کمینه، گرایش بر ساده‌سازی عناصر حشو است.

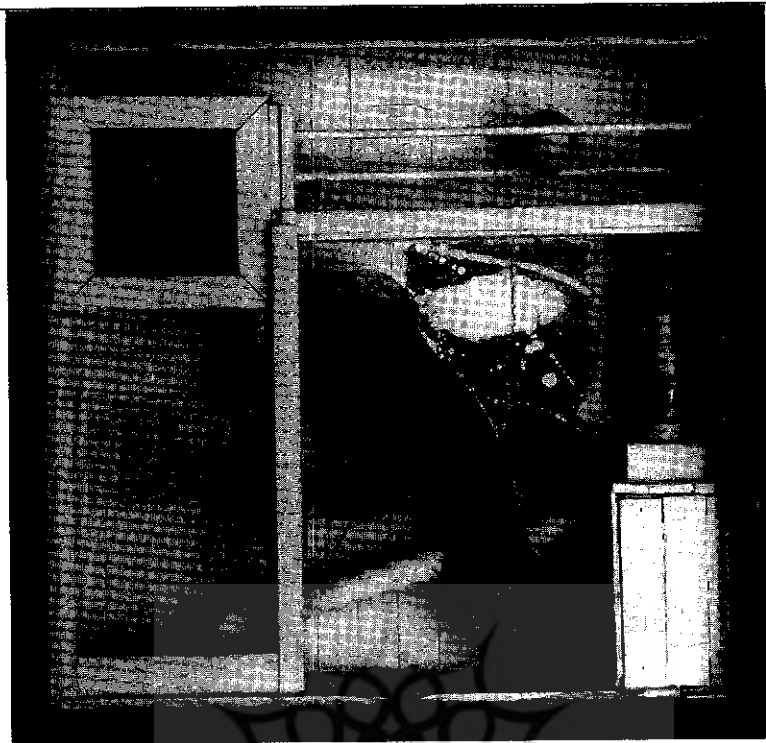
در زمینه‌ی هنرهای بصری، گاه هندسه‌ی ساده‌ی نقاشی یا مجسمه بر شکل تفصیلی آن غلبه می‌یابد و ملاحظات ریاضی اثر هنری بر شیوه‌های اجرایی آن مقدم فرض می‌شود. ۶.

در ارتباط با معرفی آن چه هنر مفهومی خواننده می‌شود، توجه به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که اصطلاحات هنری متداول مرتبط با شیوه‌های اجرایی آفرینش هنری نمی‌تواند برای تحلیل نمونه‌های هنر مفهومی مورد استفاده قرار گیرد؛ و همواره باید به این مسئله توجه شود که در این نگرش، اثر هنری ظرفی است برای مظروفش که همان اندیشه است. ۷.

در این مرحله، جا دارد به معرفی انواع نشانه از دید پیرس پردازیم تا به این وسیله ابزار لازم را برای تحلیل نشانه‌شناختی تصاویر به دست دهیم.

۲- انواع نشانه

چارلز ساندرز پیرس (C.S. Pierce) به طبقه‌بندی انواع نشانه پرداخت. ۸. وی میان شمایل (icon)، نمایه (index) و نماد (symbol) تفاوت نهاد. به اعتقاد وی، شمایل نشانه‌ای است که میان صورت و معنی‌اش نوعی شباهت صوری وجود داشته باشد. مثلاً نقاشی یک صورت که به صاحب آن صورت دلالت می‌کند، نشانه‌ی شمایلی محسوب می‌شود. ۹. نمایه نشانه‌ای است که میان صورت و معنی‌اش رابطه‌ای استنتاجی وجود دارد. برای نمونه، دلالت «دود» به «آتش» و «حرارت بالای بدن» به «تب» نمایه محسوب می‌شوند. ۱۰. اما نماد نشانه‌ای است که میان صورت و معنی‌اش رابطه‌ای قراردادی وجود دارد. نشانه‌های زبانی [صراژه‌ها] و علائم راهنمایی رانندگی نماد محسوب می‌شوند. ۱۱.



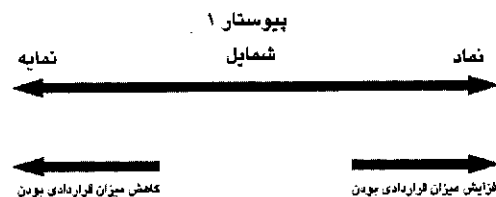
۳. نشانه‌شناسی هنر مفهومی

با معرفی آن چه در اصطلاح هنر مفهومی نامیده می‌شود و اشاره به انواع نشانه از دید پیرس، در این مرحله جا دارد به این نکته پرداخته شود که آثار هنری قابل طبقه‌بندی تحت عنوان هنر مفهومی، چه نوع نشانه‌هایی قلمداد می‌گردند و نیز این که رابطه‌ی صورت و معنی نشانه در آن‌ها تا چه حد قراردادی است یا این که تا چه اندازه انگيخته و طبیعی محسوب می‌شود؟

توصیف هنر مفهومی به مثابه‌ی گرایشی در هنر که در آن اندیشه بر صورت اثر هنری ارجحیت می‌یابد، ما را بر آن می‌دارد تا به دنبال وجه اشتراک این گونه آثار و نشانه‌های نمادین باشیم. در ارتباط با نشانه‌های نمادینی مانند واژه‌ها نیز صورت و معنی تغییرپذیر است و در گذر زمان، صورت نشانه می‌تواند تغییر کند. این مسئله به شیوه‌ای برجسته در حرکت دوشان در ارتباط با هنر نام‌گذاری مجدد اشیا و آفرینش هنری به نمایش گذارده شد. به عبارت ساده‌تر، آن هنگام که هنرمند برای نمونه، «فنجان قهوه» را «درخت» نام می‌نهد، به شیوه‌ای برجسته، اندیشه را بر شکل اثر هنری برتری می‌بخشد و نیز

به اعتقاد سجودی^{۱۲}، میزان قراردادی بودن رابطه‌ی میان صورت و معنی، در این سه نوع نشانه به ترتیب کاهش می‌یابد. نشانه‌های نمادین بسیار قراردادی‌اند. در قطب مخالف، نشانه‌های نمایه‌ای قرار دارند که بر اساس اجباری کور توجه را به معنی نشانه معطوف می‌کنند. ۱۳ در حدفاصل نشانه‌های نمادین و نمایه‌ای، نشانه‌های شمالی قرار دارند که دلالت صورت نشانه به معنی در آن‌ها تا حدی قراردادی و تا حدی طبیعی و اجباری است.

هر قدر صورت نشانه بیش‌تر در قید معنی آن باشد، نشانه انگيخته‌تر (motivated) خواهد بود. ۱۴ هر چه نشانه‌ای کم‌تر انگيخته باشد، درک و به‌کارگیری آن بر یادگیری نوعی قرارداد توافقی متکی است. جایگاه هر یک از انواع نشانه‌های شمالی، نمایه‌ای و نمادین بر پیوستار قراردادی بودن نشانه‌ها (پیوستار^۱) نشان داده شده است.



معنی نشانه، با توجه به نمونه‌هایی از این گونه آثار، مورد تحلیل قرار گرفت.

یادداشت‌ها

1. N. Princenthal, "Conceptual Art", Microsoft, Encarta, Reference Library, 2000.

2. J. Appletin, "Conceptual Art", <http://www.spiked-online.com/Articles/>, 2003.

۳. همان‌جا.

۴. همان‌جا.

۵. پرینستال، منبع یادشده.

۶. همان‌جا.

۷. آپلتین، منبع یادشده.

8. C. S. Peire, *Collected Papers*, ed. by C. Hartshorne and P. Weis, (Cambridge: Harvard University Press, 1958.)

۹. کورش صفوی، *درآمدی بر معنی‌شناسی* (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۹)، ص ۳۵.

۱۰. همان‌جا.

۱۱. همان‌جا.

۱۲. فرزانه سجودی، *نشانه‌شناسی کاربردی* (تهران: نشر قصه، ۱۳۸۲)، ص ۳۴.

۱۳. پیرس، منبع یادشده، ص ۳۰۶.

۱۴. فردینان دو سوسور، *دوره‌ی زبان‌شناسی عمومی*، ترجمه‌ی کورش صفوی (تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۷۸).

۱۵. روسن یا کوپسن، «قطب‌های استعاری و مجازی»، ترجمه‌ی کورش صفوی، در کورش صفوی، *گفتارهایی در زبان‌شناسی* (تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۰).

تغییرپذیری رابطه‌ی صورت و معنی را در سطح نماد به نمایش می‌گذارد. حال، با توجه به آن چه گفته شد، آیا می‌توان نتیجه گرفت که آثار هنری مفهومی نشانه‌هایی صرفاً نمادین محسوب می‌شوند؟

رابطه‌ی تصویرگونه‌ی میان صورت و معنی نشانه به ویژه در ارتباط با هنرهای بصری قابل طبقه‌بندی در گروه هنرهای مفهومی، غیرقابل انکار است؛ هر چند حتی در ارتباط با آثار موسیقایی مفهومی نیز چنین تصویرگونگی‌ای به وضوح خودنمایی می‌کند. بنابراین، اگرچه با توجه به آن چه پیش‌تر گفته شد، آثار هنری مفهومی از جمله نشانه‌های نمادین محسوب می‌شوند، اما از سوی دیگر می‌توان ادعا کرد که این آثار نشانه‌هایی شمالی نیز قلمداد می‌گردند. به این ترتیب، شاید بتوان مدعی شد که این آثار نمونه‌هایی از نشانه‌های «شمالی. نمادین» به شمار می‌آیند که جایگاهشان روی پیوستار قراردادی بودن نشانه‌ها، در جایی میان نشانه‌های شمالی و نمادین قرار دارد.

با بهره‌گیری از اصطلاحات یا کوپسن ۱۵، در هر اثر هنری مفهومی، نشانه‌ی نمادین با نشانه‌ی شمالی «ترکیب» می‌گردد تا معنی نشانه را روی محور «انتخاب»ها تداعی کند. این مسئله به گونه‌ای ساده‌تر قابل بررسی است. در ارتباط با آثار هنری مفهومی، لایه‌ی صورت نشانه در نتیجه‌ی عملکرد فرآیند ترکیب شکل می‌گیرد؛ یعنی صورت نشانه، ساختاری مجازی (metonymic) دارد. مجاز در سطح صورت نشانه، بن‌مایه‌ی عملکرد فرآیند انتخاب می‌گردد تا معنی نشانه به شیوه‌ای استعاری (metaphoric) شکل گیرد.

۴. جمع‌بندی مطالب

این بررسی کوتاه به منظور تحلیل نشانه‌شناختی آثاری انجام گرفت که در گروه آثار هنری مفهومی قابل طبقه‌بندی‌اند. به این منظور، نخست هنر مفهومی و خاستگاه تاریخی آن معرفی شد؛ سپس طبقه‌بندی سه‌گانه‌ی نشانه‌ها از دیدگاه پیرس مطرح گردید. در مرحله‌ی بعد، ساختار نشانه‌ای آثار هنری مفهومی زیر عنوان نشانه‌های شمالی. نمادین معرفی شد.

آن‌گاه عملکرد فرآیند ترکیب در شکل‌دهی به صورت نشانه و عملکرد فرآیند انتخاب در شکل‌دهی به